

## نگاهی به برنامه تعامل فعال بین مدارس و مساجد محل

# پیوند مسجد و مدرسه

سه محیط مدرسه، مسجد و خانواده می‌توانند انسان ساز باشند و از این میان مسجد و مدرسه باید دو مرکز آموزشی باشند که یکدیگر را همپوشانی و پشتیبانی کنند از جهات معنوی و بحث‌های آموزشی، تئوری و نظری، لازمه امر مدیریتی است که متوجه خلاء بین این دو مرکز باشد. در نگاه قرآنی رسالت پیامبران، تزکیه و تعلیم نوع بشر عنوان شده. یعنی ابتدا تربیت باید باشد و بعد آموزش. متأسفانه آموزش و پرورش ما ابتدا آموزش را سرلوحه قرار داده و سپس پرورش که قرآن کریم دقیقاً عکس این رفتار را توصیه می‌کند. برای عملیاتی شدن این شعار قرآنی، می‌توان گفت که تزکیه را مسجد باید عهده‌دار باشد و تعلیم را مدرسه و پیوستگی این دو حوزه می‌تواند انسان کاملی را تربیت کند. این امر نیاز به مدیریتی دارد که این دو را کنار یکدیگر قرار داده و متوجه این معنا نشود. این دو مرکز باید نیازهای یکدیگر را متوجه شده و درک کنند و کمبود یکدیگر را ببوشانند. وقتی ما به این نکته مهم قرآنی اشاره می‌کنیم، باید زمینه‌های آن را نیز ایجاد کنیم و زمینه آن این است که مدیر یک مدرسه، با امام جماعت، یک مسجد به‌طور عملی با یکدیگر تعامل خوبی داشته باشند که در رأس این امور، باید متولی تمام مساجد از یک طرف و متولی مدارس کشور که قاعدتاً وزیر آموزش و پرورش است، برنامه‌ریزی کلانی در این مورد داشته باشند تا ما بتوانیم تزکیه و تعلیم را کنار یکدیگر داشته باشیم. اما آن چه هم‌اکنون مشاهده می‌شود، این است که چنین تعاملاتی وجود ندارد و یا بسیار کم و خنثی است و شاید از همین رو بود که در پیام سال ۱۳۸۹ مقام معظم رهبری (حفظه الله) به گره‌های سراسری نماز، همچنین بر پیوند میان این دو نهاد تأکید کردند یعنی مدیر یک مدرسه با امام جماعت یک مسجد، با هم در تعامل باشند، مثلاً مدیر یک مدرسه، مساجد نزدیک مدرسه را شناسایی کند و با آن‌ها در ارتباط باشد و زمینه حضور دانش‌آموزان را در مساجد

فراهم کند و همین‌طور متولی مساجد مدارس نزدیک مسجد را شناسایی کرده و برای ارتباط با آن‌ها برنامه‌ریزی کند. البته این‌ها نیاز به آموزش دارد. حتی معلمان نیز باید برای الفت هرچه بیشتر این دو نهاد، آموزش ببینند و در کنار یکدیگر است که این همپوشانی تحقق پیدا می‌کند. این دو نهاد می‌توانند از فضاهای یکدیگر سود برده و استفاده کنند. امام جماعت می‌تواند مانند یک معلم یا بچه‌ها در ارتباط باشد. این امر می‌تواند در تمام سطوح تحصیلی از دبستان تا دبیرستان، رخ داده و وقتی این پیوند صورت بگیرد، از تهاجم و شیخون فرهنگی در امان می‌مانیم.

وقتی ما با برنامه‌ریزی در یک منطقه، سه سال متوالی زمینه‌های این تعامل را به‌وجود آوردیم و باز خورد مناسبی نیز دریافت کردیم و پایگاه‌های مساجد مملو از دانش‌آموزان انقلابی شد و در این راستا، انجمن جماعات نیز ارتباط‌شسان را با دانش‌آموزان قطع نکردند، این ارتباط تنگاتنگ خواهد شد. پس این وظیفه بزرگ انجمن جماعات است که با این ارتباط برقرار کردن با نهادهای آموزشی، دانش‌آموزان را به سمت مسجد و تربیت اسلامی با تعامل مناسب راهنمایی کنند. از سمت دیگر هم مدیران باید این مطلب را به‌عنوان یک ضرورت دانسته و بدانند وقتی بچه‌های با مسجد ارتباط نداشته باشند، معلوم نیست چه آینده‌ای خواهد داشت. آینده یک دانش‌آموز مسلمان در مسجد رقم خواهد خورد و بچه‌های اهل مسجد، در هر جای این عالم حفظ دین را در اولویت خود قرار خواهند داد و به‌وسیله همین ارتباط، دین از خطرات مصون مانده و چنین دانش‌آموزانی برای موفقیت کشور تلاش خواهند کرد. کسانی که آموزش صرف را بدون تزکیه و پرورش می‌بینند و با این نگاه رفتار می‌کنند، تبعات ناخوشایندی برای جامعه خواهند داشت. کسی که با دین ارتباط برقرار کند، روحش بیمه خواهد شد و مسجد بیمه‌کننده روح همه افراد، مخصوصاً جوانان است.